



سندوق

لیسانسه سینمایی گیتی سیروس



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

صندوق

فیلمنامه سینمایی

سیروس همتمی

نیستان هنر

همتی، سیروس.
صندوق، سیروس همتی.
تهران: نیستان هنر، ۱۴۰۳.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۴۱۰-۴۵-۶
فیلمنامه‌های فارسی.
ص ۹ / ۱۹۹۷ PN
۷۹۱ / ۴۳۷۲
۹۸۵۹۶۴

صندوق

سیروس همتی
طرح جلد از حمید مازیار نیستان هنر
چاپ اول ۱۴۰۳ ۸۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۴۱۰-۴۵-۶
چاپ و صحافی: سیدار
نیستان هنر: ۲۲۶۱۲۴۴۳-۵

صندوق

برای
غلامرضا محمدزاده
و
امیرحسین فلاحتی نژاد

تیتراژ فیلم به همراه موسیقی روی سکانس‌های زیر دیده می‌شود.

سکانس ۱

روز/داخلی/زندان

آرمان، پشت میله‌های زندان است. هم‌بندی‌های او در حال بازی گل‌یاپوچ هستند.
آرمان با مداد کوچک و شکسته، روی کاغذ کاهی، صفحات آخر کتاب^۱ نقشه می‌کشد.

سکانس ۲

روز - شب/داخلی - خارجی/هرجا

هادی، با سنجاق، سنجاق‌سر و شاه‌کلید، قفل‌های عادی و کتابی را، بشمار سه، باز می‌کند.

سکانس ۳

روز/داخلی/زندان

آرمان در راهروی عریض و طولیل زندان، گوشی تلفن عمومی،

۱. کتاب «مثلث برمودا»، نوشته چارلز برلیتز است.

کارتی، را برمی دارد، شماره می گیرد.
(چهره آرمان را نمی بینیم)

سکانس ۴

روز/خارجی/کوچه - جلوی در

هادی بسته دلار را به شخصی تحویل می دهد. شخص دلارها را می شمارد. شخص کاغذی می گیرد و مطلب زیر را می نویسد:

یا خدا

سلام علیکم

بدین وسیله، این جانب «اصغر کاشی» فرزند نادر، به شماره شناسنامه ۳۴۵۷، ساکن پایتخت، در کمال صحت و سلامتی عقل، رضایت بی قید و شرط خود را از آرمان بمانی اعلام می کنم. هیچ طلبی از ایشان ندارم.

صفا باشه...
تاریخ و امضا

سکانس ۵

روز/داخلی/فرش فروشی

صاحب مغازه چند پوند می شمارد. چند سکه تمام بهار آزادی می گیرد. به سال ۸۶ بودن سکه ها دقت می کند. کاغذی از هادی می گیرد و می نویسد...

سکانس ۶

روز/داخلی/دادگاه

روی میز پُر است از پرونده. دستی مزین به انگشتر فیروزه، پرونده ای باز می کند. چند برگ از پرونده را ورق می زند. پای برگه اول با روان نویس سبز می نویسد:

هو القاضی

باتوجه به رضایت بی قید و شرط شاکیان خصوصی، محکوم علیه
«آرمان بمانی» به قید وثیقه آزاد است.

مهر و امضا

قاضی

موسیقی تیتراژ رفته رفته محو می شود.

پایان تیتراژ

نکته: نویسنده پیشنهاد می کند که چهره‌ای از آرمان و هادی تا
پایان تیتراژ دیده نشود.

سکانس ۷

روز/داخلی/بانک

نمایی از ساعت بانک. ساعت ۶:۳۰ صبح را نشان می دهد.
کارمندان بانک هاج و واج مانده اند. قفل درهای ورودی بانک
دست نخورده، فقط فیش های دوربین های مدار بسته، خطوط
تلفن و برق قطع شده، سیستم اعلام آژیر خطر کنده شده و
هیچ هاردی در سیستم های کامپیوتری نیست.

سکانس ۸

روز/داخلی/بانک (ادامه)

با وارد شدن به بخش صندوق امانات، شاهدیم که تمام
صندوق امانات خالی است.

سکانس ۹

روز/داخلی - خارجی/بانک

- ورود نیروی انتظامی به بانک، ساعت ۱۰:۳۰ صبح
- مدیر:** (شاکلی) الان چه وقت اومدنه؟ ما ساعت ۶ و نیم صبح زنگ زدیم.
- پلیس:** مگه مأمورین ۱۱۰ نیومدن؟
- مدیر:** اومدن فقط یه گزارش تنظیم کردن و رفتن.
- پلیس:** اون‌ها وظیفه‌شون رو انجام دادن، طبق گزارش تنظیمی و اثربرداری آگاهی، به محض دریافت دستور اومدیم. (طعنه) خودت کی اومدی؟
- نیروی انتظامی همه کارکنان، معاون و مدیر را در گوشه‌ای از بانک محصور می‌کند. ضمن اینکه تنش لفظی میان آن‌ها و نیروی انتظامی پیش می‌آید. پلیس نیروهای خود را جمع می‌کند.
- پلیس:** (به همکاران) در دوربین‌های جلوی بانک هیچ چیز مشکوکی دیده نمی‌شه. دوربین‌های جلوی بانک قطع نشده، سارق‌ها از پشت بانک، در پارکینگ وارد شدن، نه از ورودی خیابون اصلی. متأسفانه نه اثر انگشتی، نه ردی، نه خطی، نه نخ، نه سرنخی، هیچی. ظاهراً خیلی حرفه‌ای بودن.
- همکار پلیس:** ظاهراً یا قطعاً؟

سکانس ۱۰

نیمروز/خارجی/جلوی بانک

- عده زیادی از مال‌باختگان جلوی بانک تجمع کرده‌اند. صدای گله و شکایت آن‌ها بالاست. در لابه‌لای آن‌ها چند خبرنگار هم دیده می‌شود. پلیس از پشت شیشه‌های بانک به مال‌باختگان نگاه می‌کند.
- جماعت مال‌باخته شعار سر می‌دهند:
- نگاه پشت شیشه جواب ما نمی‌شه

پلیس و همکاران او از بانک بیرون می آیند و جماعت را به آرامش دعوت می کنند.

پلیس:

به نام خدا، آقایون و خانمها، سلام عرض می کنم. بنده به نوبه خودم به تک تک شما حق می دم. حال تک تکتون رو می فهمم. خواهشم از شما اینه که آرامش و خونسردی خودتون رو حفظ کنید.

همه جماعت بلند می شود.

پلیس:

(ادامه) بله، حق دارید؛ تمام داروندارتون رو امانت سپردین به بانک (مکت)، بانک مرکزی ملزم به پرداخت همه امانات شما خواهد بود. خواهشم اینه، هر چیزی رو که داخل صندوق امانات گذاشتین، به صورت خوداظهاری بیان کنین. قطعاً با ارائه مدرک و اثبات حقتون، به خواسته هاتون می رسین (مکت). ما برای پیدا کردن هر سرنخی به تمرکز، سکوت و همکاری شما نیاز داریم. خواهش می کنم بفرمایید.

جماعت مال باخته شعار سر می دهند.

نمی ریم... نمی ریم... حقمون و می گیریم

هیچ حقی ضایع نخواهد شد. اجازه بدین به کارمون برسیم.

پلیس:

صدای جماعت بلندتر می شود.

فرمانده کل قوا / زندگی مون رفت رو هوا

خواهشاً موضوع رو سیاسی نکنید. بفرمایین. (بلند) بفرمایید «خوداظهاری» رو به دایره سرقت پلیس آگاهی بدین. خواهش می کنم متفرق شید. اوضاع متشنج می شه.

پلیس:

با هشدار پلیس و دعوت به آرامش از التهاب فضا کم می شود. کم کم جمعیت پراکنده می شود؛ به جز دو خبرنگار.

سکانس ۱۱

نیمروز/داخلی - خارجی/بانک (ادامه)

پلیس ناچار دو خبرنگار سمج را دستگیر و آنها را به داخل بانک هدایت می کند.

- پلیس:** کارت خبرنگاری؟
- دو خبرنگار کارت خود را به پلیس نشان می دهند. پلیس نگاهی به کارت آن‌ها می اندازد.
- پلیس:** خبرنگار مجله‌های زرد (به همکار) تعهد مکتوب، مبنی بر عدم سیاه‌نمایی خبر و تشویش اذهان عمومی از شون بگیر. گوشی شون رو ضبط کنم؟
- همکار:** نه، بذار برن.
- پلیس:** دو خبرنگار نزد همکار پلیس می روند.
- همکار:** می بینین؟ فضا ملتهبه، آگه عکسی یا مطلبی بیرون بدین، می فرستمتون جایی که عرب نی انداخت.

سکانس ۱۲

روز/داخلی/بانک

نیروی انتظامی به دستور بازپرس پرونده، کارکنان، مدیر بانک و معاون صندوق امانات را بازداشت و قرنطینه می کند.

سکانس ۱۳

روز/داخلی/بانک

با صدای تایپ، جمله «دو روز بعد» زیر تصویر نقش می بندد. بیش از ۱۴۵ نفر از شاکیان و مال باختگان جلوی بانک تجمع کرده اند. خبری شدن این مهم در رسانه‌های خارجی مثل بی بی سی، سی ان ان، اینترنشنال و در رسانه‌های داخلی موضوع را بحرانی کرده است.

جماعت شعار سر می دهند:

مرگ بر این دولت مردم فریب
برادران نیروی انتظامی راه به جایی نمی برند.

سکانس ۱۴

روز/داخلی/دایره سرقت

سرهنگ: باتوجه به حساسیت موضوع، جنجال به پاشده و فیلم‌های وایرال شده، گفتیم فقط سرگرد سعید می‌تونه این غائله رو بخوابونه. باتوجه به سابقه و تجربه بالای شما توی دایره سرقت، پرونده بزرگ‌ترین سرقت بانکی خدمت شما. سرگرد سعید با احترام نظامی پرونده را می‌گیرد. سرهنگ دو نفر را صدا می‌زند.

سرهنگ: (بلند) بشارتی و سعادت!

بشارتی و سعادت با احترام نظامی وارد اتاق می‌شوند.

سرهنگ: (به سرگرد) دو ستوان کارکشته و کاربلد، بیست و چهاری در خدمت شما.

سکانس ۱۵

روز/داخلی/آگاهی

عکس کلیه کارکنان بانک روی میز سرگرد قرار دارد. سرگرد روی کاغذ مطلب ذیل را می‌نویسد:

هوالمحق

باتوجه به عدم احراز سوءنیت و مشارکت نامبردگان در بزه سرقت، هیچ اهمال و کوتاهی‌ای، از طرف کارکنان، مدیر و معاون شعبه در کار نبوده، نامبردگان بلاقید آزادند.

تاریخ و امضا

سکانس ۱۶

روز/داخلی/دایره سرقت (راهرو)

اسامی بیست نفر از سارقان بزرگ بانک، در طول دهه اخیر، توسط بشارتی و سعادت روی وایت‌برد نوشته می‌شود. فقط اسم به درد من نمی‌خوره، عکس‌هاشون رو می‌خوام.

سرگرد: